



نانوایی نداریم

خیرآبادی می گوید: سال ها قبل شطاری در محل ساکن بود که درخواست مجوز نانوایی دولتی از شورای آردونان کرد اما با دولتی بودن آن موافقت نشد. مدتی قبل این شخص فوت کرد و پس از آن اطلاع رسانی برای ایجاد نانوایی صورت نگرفته است. وی افزود: حتی اگر شرایط فراهم بشود و کسی بیاورد نانوایی باز کند باز هم فقط نانوایی با نرخ دولتی اینجا کارایی دارد، مردم این منطقه توانایی خرید نان پانصد یا هزار تومنی ندارند. اگر مشکل کمبود نانوایی حل شود بسیاری از رفت و آمدهای اهالی در ابتدای صبح و آخر شب به داخل گلشهر و طی مسافت یک کیلومتری از میان مزارع برای تهیه نان کاهش می یابد. روشن بودن چراغ این نوع کسب و کارها که مردم به صورت روزمره با آن سروکار دارند خودش به امن شدن محله کمک می کند.

نبود تاکسی و اتوبوس

خانم رضایی دیگر فردی است که با وی درباره مشکلات محل سکونتش هم کلام شدیم. او که با ۵۷ سال سن، از پنج سال پیش در این محله ساکن است، در حالی که قصد رفتن به گلشهر برای تهیه مایحتاج روزانه را دارد، درباره مشکلات محل سکونتش می گوید: یکی از مشکلات مهم این محله که بارها پیگیری کرده ایم ولی هنوز نتیجه لازم را نگرفته ایم، نبود اتوبوس و تاکسی است. برای هر بار خرید باید تاکسی بگیریم و کلی هزینه کنیم. امنیت محل خیلی کم است و ما خانم ها نمی توانیم از این محله راحت به گلشهر برویم.

وی می افزاید: از شما می خواهیم که صدایمان را به گوش مسئولان برسانید. از مسئولان سوال می کنم اگر خانواده خودتان و ناموس خودتان در این محل زندگی می کرد، باز هم اجازه می دادید این همه ناامنی داشته باشد؟ خانم رضایی پس از این گفتار سوار شخصی مسافربری می شود تا او را به گلشهر ببرد، آن هم

عطایی - همراه آقای خیرآبادی عضو شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین راهی یکی از محروم ترین محلات مشهد شدیم، شهرک شهید لگزایی. قصد داشتیم از نزدیک با مشکلات مردم روبه رو شویم، با آنکه می دانستیم قرار است صحنه های ناخوشایندی ببینیم اما عمق دردها و ناخوشی های موجود مرا شگفت زده کرد. از نام پیشین آن محدوده که مستضعفین بود گرفته تا سرنگ های تزریق که گوشه و کنار مسیر افتاده بود. زمین های کشاورزی قبل از منازل مسکونی و دور افتادگی محل سکونتشان از محلات دیگر منطقه، همه از رنج زندگی اهالی این محله خبر می داد. با چند تن از ساکنان این محل صحبت کردیم تا خودشان روایتگر باشند.

جواد خیرآبادی رابط کسبه شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین می گوید: سه ساله بودم که از شهرستان گنبد کاووس به علت مرضی پدر به مشهد آمدم و در جایی که به سه راه توت معروف است ساکن شدیم و باید و خوب این منطقه آشنا هستم.

وی ادامه می دهد: در اصل قرار بود این محدوده از شهر مشهد بهترین نقطه آن شود اما سرمایه و امکانات به سمت دیگر شهر رفت. حدود چهل سال پیش، افغانستانی های مهاجر به علت کم بها بودن زمین و مهیا بودن شرایط کسب و کار در این محدوده ساکن شدند. به تدریج گلشهر که نام اصلی آن گشن است تبدیل به مکانی مهاجرنشین شد و این محله هم همین طور. اکنون حدود ۱۵۰ خانوار در خانه های کوچک و محقر زندگی می کنند. محله مستضعفین ابتدا ساکنان ایرانی داشت که در مزارع اطراف مشغول کار بودند اما حالا اکثر جمعیت آن را مهاجرین تشکیل می دهند.

اگر مشکل کمبود نانوایی حل شود بسیاری از رفت و آمدهای اهالی در ابتدای صبح و آخر شب به داخل گلشهر کاهش می یابد

با حالتی که انگار امیدی به تغییر شرایط ندارد!

ضعف امنیت اخلاقی

خیرآبادی پس از این گفت و گو با دیگر رشته کلام را در دست گرفته و می گوید: کلانتری محل در این اواخر زمان تعطیلی مدارس خودرو گشت زنی در ابتدای ورودی محله مستقر می کنند تا از دور مسیر بین محله و انتهای گلشهر را رصد کند، آن هم فقط حدود ۴۵ دقیقه. اما ناامنی این محدوده بعد از غروب آفتاب شروع می شود. اتاقک های دهقانی در مزارع اطراف محله تا صبح مکانی است برای هر نوع بزهکاری و مصرف مواد مخدر افراد نااهل.

راه ناامنی

عضو شورای اجتماعی محله امیرالمؤمنین ما را به فروشگاه مواد غذایی جواد جباری راهنمایی می کند. این جوان ۳۳ ساله که از ۶ ماه پیش در محله مغازه مواد غذایی باز کرده است، در پاسخ به سوال ما درباره مهم ترین مشکلات محل می گوید: بهتر است سوال کنید چه مشکلی در اینجا نیست. اول از همه نانوایی ندارد. دیگر اینکه اگر به عنوان مثال کسی نیمه شب مریض باشد برای رساندن خود به در مانگاه مشکل دارد. راه ناامن است و تاکسی تلفنی هم نیمه شب نمی آید. اتوبوس هم به این منطقه نمی آید. وی ادامه می دهد: فاضلاب در حال رسیدگی است ولی تصور نمی کنم اوضاع بهداشت محله فرقی کند. مشکل دیگر این است که نمی شود آدرس داد، چون آدرس و نام مشخصی ندارد. اگر بگوییم شهید لگزایی که تازه نامگذاری شده

اتوبوس نداریم

محمد ابراهیم عظیمی که ۳۵ سال است در محله شهید لگزایی ساکن است، نیز درباره مشکلات این محله این گونه سخن می گوید:

نان، امنیت، اتوبوس و هزار چیز ناگفته دیگر
جذب های دور افتاده